



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۱۷

یونس نگاه

شیفته‌های طالب

گروهی از وطنداران غیرطالب در چند سال اخیر مورد به مورد یا به‌طور کلی شیفته طالب شده‌اند. در گفتگو با دوستان، آشنایان و رفیقانی که در افغانستان زندگی می‌کنند یا به افغانستان سفر داشته‌اند در این چند سال بارها متوجه این شیفتگی شده‌ام. عده‌ای شاید قصداً و بخاطری که موضع مرا «غیرواقع‌بینانه» و بسیار آرمانی می‌بینند، هنگام صحبت با من به «نقاط قوت» طالبان اشاره می‌کنند.

از زبان خارجی، پشتون، هزاره، تاجیک، شهری و روستایی در این چند سال تمجید طالب را شنیده‌ام. هفته گذشته یک وطندار بامیانی با سوابق چپی با حسرت گفت که کاش نیروهای چپ تعهد و همبستگی طالبان را می‌داشتند. او گفت طالبان مواضع سیاسی و فرهنگی عقب‌مانده دارد، ولی از لحاظ سازمان‌دهی و اداره گروه «مدرن» و بسیار منضبط است. او از حمایت امارت طالبان از خانواده‌های «شهدای» خود و استواری جنگ‌جویان بر مواضع‌شان چون نقاط قوت آن گروه یاد کرد.

دو روز پیش یک تاجر کابلی فارسی‌وان که در آن شهر فروشگاه‌ها و سرمایه دارد، در دوران جمهوریت آدم فعال بود و حالا هم به کابل رفت و آمد دارد، با هیجان از «پیشرفت» طالبان در بخش زراعت، آبیاری، دواسازی و صحت و حتی اداره صحبت کرد. در پایان گپ‌هایش گفت که اگر طالبان مکتب را باز کنند و به زنان حق کار و تعلیم بدهند، جوره ندارند!

او آدم هوشیار است و بعد از کمی بحث و گفتگو تایید کرد که بدون تعلیم و آزادی، امارت طالبان مشکل اقتصادی افغانستان را حل نمی‌تواند. خودش در پایان گفت، اگر مکتب را باز نکنند و زنان را اجازه کار ندهند، همه چیز ضرب صفر می‌شود!

شاید این سخنان آخر را به‌خاطر گل روی من گفته باشد، چه می‌دانم. شاید برای آن که گفتگوی ما به‌خوبی پایان یابد و درچه گفتگو باز بماند این سخن را گفته است. ولی شیفتگی و هیجانش از «فرصت‌های سرمایه‌گذاری» بخصوص در بخش دوا واقعی و از ته قلب‌اش بود.

قصه آن خانم آلمانی را که می‌گفت امارت طالبان برای تعلیم زنان افغانستان بهتر از جمهوری اسلامی است، پارسال در فیسبوک با دوستان‌ام شریک کرده بودم. او می‌گفت طالبان اگر با کنترل سراسر کشور فرصت تعلیم همه دختران را تا صنف ششم مساعد سازند، مقدمه ترقی کشور را فراهم می‌کنند، چون هیچ‌گاه دختران افغانستان به گفته او مثل امروز فرصت نداشته‌اند که در سراسر کشور تا صنف ششم سواد بیاموزند.

دوستان پشتونی دارم که از طالبان تمجید می‌کنند. در میان پشتون‌های منتقد طالبان، شهرنشینان و جمهوری‌خواهان نیز کسانی را می‌شناسم که در صحبت‌های دوستانه از سرک‌سازی، امنیت، انضباط و حتی از «ملی‌گرایی» طالبان تمجید می‌کنند. پشتون‌ها البته دلایل قومی آشکار و پنهان در تمجید طالبان دارند، این را نمی‌شود انکار کرد. حداقل آنان با تبعیض قومی طالبان مواجه نیستند، و از این‌که می‌بینند در سراسر کشور هم‌زبانان‌شان حاکم‌اند و هرجا بروند با «خودی‌های» زبانی مواجه می‌شوند، نسبت به تاجیک‌های پنجشیری مثلاً که هرجا با سوء ظن مواجه‌اند، از کار و سفر و چکر در افغانستان رضایت نسبی دارند.

شیفته‌گان طالب کم نیستند، و هر گروه از آنان دلایلی دارند. اما تعلق قومی، سیاسی، قشری یا مذهبی به تنهایی نمی‌تواند آن شیفتگی‌ها را تعریف کند. در مبارزه با فریب طالب، باید بحث را فراتر از پوسته‌های قومی، سمتی، زبانی، دینی و قشری ببریم.